



ریچارد نیکسون رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۹ او را به عنوان مشاور امنیت ملی منصوب کرد که باعث نفوذ زیاد او در سیاست خارجی آمریکا در دو دولت شد. در این دوره و تمام دوران‌های بعدی، کیسینجر توان خودش را بر سر تنش‌زدایی خرج می‌کرد. البته او نه یک سیاستمدار ضد جنگ بلکه نظریه‌پرداز بود که سعی داشت منازعات را کنترل کرده و سود و زیاد ایالات متحده را در نظر بگیرد. به گزارش خبرآنلاین؛ هنری کیسینجر دیپلمات و نظریه‌پرداز سیاست خارجی چهارشنبه شب در ۱۰۰ سالگی از دنیا رفت. او را نابغه دیپلماسی می‌دانند و نقش‌هایش در منازعات جهانی همواره آشکار بوده است. کیسینجر در ماه می سال ۱۹۲۳ به دنیا آمد او یک سیاستمدار آمریکایی متولد آلمان بود که برنده جایزه صلح نوبل شد. هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا در سن ۱۰۰ سالگی در خانه‌اش در ایالت کانتیکات درگذشته است.

او در دولت‌های ریچارد نیکسون و جerald فورد نقشی تعیین کننده در سیاست خارجی آمریکا داشت. اما پس از آنهم تا همین چند ماه قبل بر سر تنش‌های اوکراین و چین و... واسطه می‌شد و ایالات متحده نقش اساسی برایش در هنگام تصمیم‌گیری‌ها قائل بود. او یک شرکت رابرتی با نام کیسینجر آسوشیتس هم تأسیس کرده بود.

خانواده کیسینجر یهودی بودند و او تا سال ۱۹۳۷، یعنی وقتی ۱۵ سال داشت در آلمان زندگی می‌کرد. با قدرت‌گیری نازی‌ها خانواده کیسینجر به همراه او آلمان را به مقصد ایالات متحده ترک کردند. تحصیلات اولیه کیسینجر حسابداری بود که ناتمام باقی ماند. بعد به ارتش و سپس به سیستم ضد اطلاعات آمریکا نزدیک شد. در سال‌های بعد او تصمیم گرفت در رشته روابط بین الملل تحصیل کند. همین تحصیلات باعث شد تا او راهش را به دستگاه سیاست خارجه آمریکا باز کند. کیسینجر بعد از کسب مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری، شروع به تدریس رشته روابط بین الملل در هاروارد کرد.

ریچارد نیکسون رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۹ او را به عنوان مشاور امنیت ملی منصوب کرد که باعث نفوذ زیاد او در سیاست خارجی آمریکا در دو دولت شد. در این دوره و تمام دوران‌های بعدی، کیسینجر توان خودش را بر سر تنش‌زدایی خرج می‌کرد. البته او نه یک سیاستمدار ضد جنگ بلکه نظریه‌پرداز بود که سعی داشت منازعات را کنترل کرده و سود و زیاد ایالات متحده را در نظر بگیرد.

او طرفداران خروج نیروهای آمریکایی از ویتنام بود. آنهم در شرایطی که آمریکا خروج خود را شکستی تمام عیار می‌دانست. کیسینجر به خاطر نقشش در برقراری آتش‌بس در آن منازعه، در سال ۱۹۷۳ جایزه نوبل صلح را دریافت کرد. اعطای جایزه به او باعث جنجال شد و دو نفر از اعضای کمیته نوبل استعفا کردند. لی دوک تو از ویتنام هم دیگر برنده مشترک آن سال اعلام شد که از پذیرش جایزه خودداری کرد. اما در نهایت جنگ ویران‌گر و پرهزینه ویتنام پایان پیدا کرد و نقش قهرمانی آن به کیسینجر رسید.

او برای پایان جنگ ۱۹۷۳ یوم کیبور میان اسرائیلی‌ها و کشورهای عربی نقش داشت.

اما نقاط تاریک در پرونده کیسینجر هیچ‌گاه کم نبوده‌اند. او با طرفداری از دیکتاتور شلیه پینوشه نقطه سیاهی بر روی کارنامه کاری خود گذاشت و از اتهاماتش تا آخرین روز زندگی هم رها نشد. از طرف دیگر بسیاری دهه‌ها جنگ سرد و رقابت میان مسکو و واشنگتن را ناشی از نوع سیاست ورزی کیسینجر می‌دانستند. او تا سال ۱۹۷۷ مقام دولتی داشت. اما بعد تبدیل به مهم‌ترین نظریه‌پرداز آمریکا شد. شغلی که تا پایان عمر او ادامه پیدا کرد. او دقیقاً در ۱۰۰ سالگی در سفر به یکن با شی چین‌پینگ رئیس جمهور چین دیدار کرد. او طراح اصلی برقراری رابطه آمریکا و چین بود.

کارهای کیسینجر فراتر از دانشگاه بود. او برای اندیشکده‌ها مقاله می‌نوشت و در شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه آمریکا در زمان روسای جمهور جان اف کندی و لیندون جانسون، سمت مشاور را به عهده گرفت. کیسینجر دو بار ازدواج کرده است که نام همسرانش فلیشر (۱۹۶۴-۱۹۶۹) و نانسی کیسینجر (۱۹۷۴ تا کنون) بودند. او همچنین یک دختر به نام الیزابت و یک پسر که به اسم دیوید داشت او در کنار جرج بوش به عنوان رئیس کمیته بررسی حملات ۱۱ سپتامبر نقش آفرینی کرده و البته به دلیل فضای منفی که علیه او وجود داشته مجبور به استعفا شده است. کیسینجر هرگز نتوانست دامانش را از ننگی که با سرنگونی آنده در شیلی آورده شده بود پاک کند.

ایتنرست: کیسینجر مسئول مرگ میلیون‌ها نفر بود

پایگاه اینترنتیست در گزارشی درباره مرگ دیپلمات کهنه کار آمریکایی نوشت: تعداد کمی از مردم در بسیاری از نقاط جهان به اندازه هنری کیسینجر در مرگ و ویرانی و رنج انسانی دست داشته اند. براساس آرشيو منحصر به فرد اسناد نظامی آمریکا و مصاحبه با بازماندگان کامبوج و شاهدان آمریکایی، تحقیقات سال ۲۰۱۳ نشان داد که کیسینجر - شاید قدرتمندترین مشاور امنیت ملی در تاریخ آمریکا و معمار اصلی سیاست جنگی آمریکا در جنوب شرق آسیا از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵ مسئول مرگ غیرنظامیان در کامبوج بوده است. سه سال گذشته کارشناسان، کیسینجر مسئولیت مهم حملاتی در کامبوج را بر عهده داشت که به کشته شدن ۱۵۰۰۰۰ غیرنظامی منجر شد.

پسکوف:

روسیه از تمدید آتش‌بس در نوار غزه حمایت می‌کند

سخنگوی ریاست جمهوری روسیه گفت که تصمیم برای تمدید آتش‌بس بشردوستانه در نوار غزه، به ویژه با توجه به ابعاد فاجعه انسانی که در آنجا رخ داده، مناسب خواهد بود. به گزارش ایلتا به نقل از اسپوتنیک، «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی ریاست جمهوری روسیه گفت که تصمیم برای تمدید آتش‌بس بشردوستانه در نوار غزه، به ویژه با توجه به ابعاد فاجعه انسانی که در آنجا رخ داده، مناسب خواهد بود.

پسکوف افزود: «البته ما ترجیح می‌دهیم اخباری درباره تمدید مجدد این آتش‌بس بشردوستانه ببینیم. به نظر ما با توجه به ابعاد فاجعه انسانی که غزه در حال حاضر در حال تجربه آن است و با در نظر گرفتن ناقص بودن آتش‌بس، این امر مناسب‌تر است.»

پسکوف تأکید کرد که با وجود با سرگیری درگیری‌ها در نوار غزه، روسیه به تلاش‌ها و برقراری تماس با همه طرف‌های نیربط برای آزادسازی شهروندان روس باقی‌مانده در نوار غزه ادامه خواهد داد.

سنار بوهای پیش روی طالبان افغانستان برای گریز از فشار پاکستان چیست؟

روبارویی طالبان‌های پاکستان و افغانستان



سال ۲۰۱۴، طالبان پاکستان ۴۹ انفرد از جمله ۱۳۲ دانش آموز را در حمله به یک مدرسه ارتش در پیشاور با قتل عام کرد. از سال ۲۰۱۸، TTP مرکز خود را به طور مستقیم بر حمله به تاسیسات نظامی تغییر داده است. امروز این گروه بزرگ‌ترین سازمان شبه نظامی است که با دولت پاکستان می‌جنگد و هزاران جنگجو در هر دو طرف مرز افغانستان و پاکستان دارد.

اشتباه استراتژیک پاکستان؛ طالبان پاکستان چگونه به وجود آمد؟

باتوجه به از دست دادن پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱، دولت پاکستان به طور فزاینده در مورد جدایی طلبی بیشتر در کشور نگران شد. نگرانی ویژه پاکستانی‌ها از ناسیونالیسم توصیف کرده است. از در ولایات خیبر پختونخوا (KPK) و بلوچستان دولت پاکستان می‌جنگد و هزاران جنگجو در هر دو طرف مرز افغانستان و پاکستان دارد.

لغو حمایت خود از طالبان پاکستان ایجاد کرده است. گام اصلی برای این منظور اخراج پناهندگان افغانستانی از پاکستان بود که هدف آن فشار بر طالبان بود. گام مهم دیگری که پاکستان برداشته، تحریم روابط اقتصادی و تجاری برای طالبان است. پاکستان همچنین اعلام کرده است که "از پرونده رسمیت طالبان افغانستان در سازمان ملل حمایت نخواهد کرد" که احتمالاً به این معنی است که پاکستان از به رسمیت شناختن رسمی دولت تحت رهبری طالبان حمایت نخواهد کرد.

در مقابل، رهبری طالبان نگرانی‌های پاکستان را در مورد TTP بی‌اساس خوانده و آن را مشکل داخلی پاکستان توصیف کرده است. از زمان بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، طالبان دو هدف متفاوت را نشان دنبال می‌کند: جهادگرایی در مقابل دولت‌سازی. طالبان افغانستانی‌ها از کشتارهای در نشان سازان بر درون که از نوعی آرمان‌گرایی توسعه‌طلبانه خارجی دفاع می‌کند. برای این منظور، آنها تنها به دنبال حمایت از کمپین‌های جهادی در خارج از کشورشان هستند تا آرمان و ایدئولوژی آنها را دنبال کنند. در مقابل دولت سازان بر درون متمرکز هستند و فعالیت جنگجویان خارجی را برای بهبود روابط با کشورهای منطقه‌ای و غربی و همچنین ثبات و اقتصاد کشور، کنترل و محدود می‌کنند. سیاستی که پاکستان با اخراج افغانستانی‌ها از کشورش دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد رهبران طالبان از اهداف دولت‌سازی پاکستان خشمگین شده‌اند و اخراج پناهندگان را توطئه‌ای برای تضعیف دولت طالبان ارزیابی می‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد پاکستان آماده است تا فشار اقتصادی بر افغانستان را حفظ و افزایش دهد تا طالبان را مجبور به بازنگری در حمایت خود از TTP کند. اهرم اقتصادی پاکستان بر افغانستان تا حدودی ریشه در محور شدن افغانستان در خشکی دارد. شریان اصلی تجارت ترانزیت افغانستان و بازار اصلی صادرات افغانستان به رهبری طالبان که بیش از ۵۰ درصد صادرات آن را تشکیل می‌دهد از طریق گذرگاه‌های مرزی با پاکستان است که بیش از ۴۰ درصد از درآمد‌های گمرکی افغانستان را تشکیل می‌دهد و در مجموع تقریباً ۶۰ درصد از کل درآمد طالبان را تشکیل می‌دهد.

این اقدامات اگرچه تأثیری بر اقتصاد پاکستان نخواهد داشت، اما وابستگی پاکستان به اقتصاد افغانستان بسیار کمتر است و صرفاً پاکستان در یک نقطه حجم زیادی از زغال‌سنگ افغانستان را وارد می‌کند، اما با کاهش قیمت زغال‌سنگ بین‌المللی، واردات زغال‌سنگ پاکستان از افغانستان نیز کاهش یافته است؛ بنابراین، به‌طور کلی، اقدامات پاکستان فشار قابل‌توجهی بر

اتحادملت - گروه بین‌الملل - عاطفه عبدالمطلبی‌نژاد، درحالی‌که پاکستان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را علیه افغانستان اعمال کرده، با گروه طالبان به دنبال فرار از فشار پاکستان، با سناریوهایی مواجه است که در نهایت صحنه تقابل دو سیاست ملت‌گرایی در پاکستان آرمان‌گرایی ایدئولوژیک حکومت اسلامی طالبان است. خبرآنلاین گزارش می‌دهد.

بعد از آنکه پاکستان توانست یک حمله تروریستی را که در ساعات اولیه روز شنبه (۴ نوامبر-۱۳ آبان ۱۴۰۲) در پایگاه آموزشی نیروی هوایی پاکستان، خنثی کردند و هر نه تروریست را نابود کند، بار دیگر نگاه‌ها به سوی افراطیون مذهبی مسلمان در پاکستان جلب شد. چه آنکه بعداً مشخص شد این حمله تروریستی از سوی جهاد پاکستان (TJP) وابسته به طالبان پاکستان (TTP)، انجام شده است. چه آنکه پیش‌تر نیز حملات تروریستی در استان‌های مرزی بلوچستان و خیبر پختونخوا، به کشته شدن دست کم ۱۷ سرباز پاکستانی منجر شده بود. اما طالبان پاکستان چگونه به وجود آمد و حملات امروز آن در پاکستان چه ارتباطی با اخراج افغانستانی‌های مقیم پاکستان دارد؟ آیا طالبان پاکستان که حملات آن در استان‌های هم ایران بوده، تهدیدی برای کشورمان خواهد بود؟

پس از اینکه شوروی در سال ۱۹۸۹ به اشغال افغانستان پایان داد، این کشور به هرج و مرج افتاد. از این موج، طالبان، یک گروه بنیادگرایی اسلامی که عمدتاً پشتون‌ها را تشکیل می‌دهد، ظهور کردند. پشتون‌ها گروه قومی اصلی در افغانستان و شمال غرب پاکستان هستند. تا سال ۱۹۹۶، طالبان کابل را در اختیار داشت اما اوضاع در سال ۲۰۰۱ تغییر کرد، زمانی که ایالات متحده به دلیل امتناع طالبان از تحویل اسامه بن لادن، مغز متفکر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، به افغانستان حمله کرد. با حمله آمریکا جنگ و اشغال ۲۰ ساله آغاز شد. اگرچه طالبان به سرعت سرنگون شد، اما این گروه به جنگ نامتقارن علیه آمریکایی‌ها ادامه داد و در این حال به سرزمین‌های پشتون در افغانستان و پاکستان پناه برد.

پس از شرایط بود که طالبان پاکستان یا به‌اختصار TTP، ظهور کرد. بعد از حمله آمریکا به افغانستان، جهادی‌های پاکستانی با هم متحد شدند تا به طور رسمی TTP را در سال ۲۰۰۷ ایجاد کنند. این سازمان ارتد است که به دنبال گسترش طالبان افغانستان است و در نهایت قصد دارد یک دولت اسلامی عاری از نفوذ آمریکا در پاکستان نیز ایجاد کند.

در سال‌های اولیه، استراتژی TTP بر حمله به غیرنظامیان در پاکستان برای دریافت امتیازات از دولت پاکستان متمرکز بود. مهم‌تر از همه، در

طالبان افغانستان وارد خواهد کرد و این کشور را با کاهش درآمد و حجم تجارت روبرو می‌کند. **گزینه‌های طالبان برای فرار از فشار پاکستان** طالبان گزینه‌های خود را در تلاش برای کاهش فشار پاکستان و وادارکردن این کشور به ایجاد فضای سیاسی برای TTP دارند. به‌عنوان مثال، طالبان می‌تواند به دنبال بهبود روابط با همسایگان در آسیای مرکزی و ایران برای تحمل فشار اقتصادی پاکستان باشد. طالبان اخیراً، به دنبال دسترسی بیشتر به بندر و امتیازات تجاری از ایران بوده و هیئت‌های تجاری او برای کاهش فشار اقتصادی به ایران سفر کرده‌اند. اگرچه این فرصت مغفتمی هم برای ایران بود تا خواسته‌های خود درباره حق به هیرمند و امنیت مرزها و مسئله مهاجران را به طالبان تحمیل کرده و امتیازگیری کند. در همین حال، دسترسی ایران به کاهش خسارت ناشی از تجارت ترانزیت محدود با پاکستان کمک خواهد کرد، اما مشخص نیست که آیا می‌تواند جایگزین کامل باشد یا نه.

طالبان همچنین ممکن است به دنبال ایجاد یک کانال پشتی با پاکستان باشد. درگذشته، در لحظات تنش با پاکستان، طالبان برای کاهش تنش‌ها به مقامات پاکستانی متمایل شده و پیام‌های پنهانی را برای کاهش تنش‌ها ارسال کرده است. این همان سیاستی است که برخی رهبران ایدئولوژیک در موقعیت ضعف و استیصال نشان می‌دهند و هم‌زمان با تهدید آشکار، پیام‌های پنهانی به دشمن برای کاهش تنش ارسال می‌کنند. این احتمال وجود دارد که برخی از رهبران طالبان (مانند کسانی که حامی ایده دولت‌سازی هستند) برای کاهش تنش‌ها از افراد ذی‌نفوذ در پاکستان درخواست کمک کنند. بهترین کشور برای ایفای نقش میانجی شخص ثالث در دسترس طالبان قرار دارد، قطر است. اما مشخص نیست که آیا دولت قطر که در حال حاضر و در میانه جنگ اسرائیل و حماس در غزه، علاقه‌مند به ایفای نقش میانجیگری برای کاهش تنش‌های پاکستان و طالبان خواهد بود یا خیر. چین گزینه بعدی میانجیگری است، اما چین نیز نگرانی‌های امنیتی خود را در مورد گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان دارد و ممکن است از دیدگاه پاکستان در مورد افزایش ناامنی در پاکستان حمایت کند. چین نگران است اویغورهای جدایی‌طلب با طالبان هم نوابی کنند؛ از این رو در ایجاد استراتژیک از سیاست‌های سرکوب طلبان پاکستان حمایت می‌کند.

گزینه دیگر برای طالبان این است که به دنبال گرم‌شدن روابط با جهان غرب از آمریکا برای باز کردن روابط تجاری و اقتصادی دو جانبه و همچنین به‌دست آوردن کمک‌های چندجانبه بهره گیرد. اقدامات طالبان برای دریافت کمک‌های غرب زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که محدودیت‌های آموزش دختران و اشتغال زنان را کاهش دهد. هرچند اقدامات کمتر مانند اجازه‌دادن به زنان برای کار برای سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد نیز ممکن است برخی از درها را باز کند. طالبان همچنین می‌توانند با افزایش تعامل با رقیب اصلی پاکستان یعنی هند و فرصت‌سازی سیاسی برای افزایش حضور سیاسی هندی‌ها در افغانستان در ازای کمک‌های اقتصادی، با پاکستان بازی کنند.

اما دردسترس‌ترین گزینه روز میز که طالبان، توسل به نیروهای نیابتی برای اعمال خشونت بر پاکستان است. برای این منظور، طالبان احتمالاً محدودیت فعالیت‌های متحدان مختلف شبه‌نظامی علیه پاکستان را کاهش خواهد داد. اگر چنین شود، طالبان با تحریک متحد کلیدی خود در پاکستان و از طریق سازمان پوششی خود، حملات پیچیده‌تری را بر پاکستان تحمیل خواهد کرد. طالبان همچنین می‌تواند به سایر جناح‌های شبه‌نظامی در افغانستان مانند القاعده و گروه حافظ گل بهادر و لشکر اسلام که سابقه خشونت در پاکستان را دارند روی آورد. طالبان همچنین با نگاه مطمئن‌تری برای شورشیان جدایی‌طلب بلوچ است و در صورت پیگیری سیاست فشار، خواهد توانست از آنها به‌عنوان اهرم فشار به ایران و پاکستان بهره‌برداری کند.

واکنش ایران به آغاز دور جدید حملات رژیم صهیونیستی به غزه

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: خون‌آشامان صهیونیست پس از کشتار بیش از ۱۵ هزار فلسطینی دور جدید کشتار خود را در سایه ادامه حمایت دولت آمریکا آغاز کرده‌اند.

به گزارش ایسنا، ناصر کنعانی در صفحه اجتماعی ایکس در این ارتباط نوشت: «خون‌آشامان صهیونیست پس از کشتار بیش از ۱۵ هزار فلسطینی دور جدید کشتار خود را در سایه ادامه حمایت دولت آمریکا آغاز کرده‌اند.

نقض آتش‌بس و آغاز دوباره تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه غزه دقایقی قبل از خروج بلینکن وزیر خارجه آمریکا از سرزمین‌های اشغالی؛ و باز هم غیرنظامیان، کودکان و زنان قربانیان اصلی حملات جنایتکارانه نظامیان رژیم صهیونیستی هستند.

خون‌آشامان صهیونیست پس از کشتار بیش از ۱۵ هزار فلسطینی، دور جدید کشتار خود را در سایه ادامه حمایت دولت آمریکا آغاز کرده‌اند.

ملت‌ها و اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های جهان، تداوم آتش‌بس و توقف کامل حملات رژیم صهیونیستی علیه غزه و کرانه غربی فلسطین را فریاد می‌زنند ولی صهیونیست‌های جنایتکار و کودک‌کش در خیال پوچ بجران شکست ترمیم ناپذیر، با کشتار غیرنظامیان، کودکان و زنان بدنبال پیروزی هستند.



حملات این رژیم خبر می‌دهند. خبرنگار الجزیره در این ارتباط اعلام کرد که در پی حملات رژیم صهیونیستی به مناطق مختلفی در نوار غزه، تعداد شهاده‌های حملات این رژیم به ۲۱ تن افزایش یافته است. همچنین دهه‌ها تن در این حملات زخمی شده‌اند